

تغییر سرنوشت جهان؛ با یهود و یا با اسلام؟

باسمه تعالی

«لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»
(آل عمران 169 تا 171)

راز نظر به شهید سید حسن نصرالله

نظر به شهید سید حسن نصرالله قامت افراشته و نماد مقاومت در راستای مقابله با تغییر سرنوشتی که یهودی‌گری گمان دارد می‌تواند به جهان بشریت تحمیل کند و سرنوشت آینده جهان را به عهده بگیرد و راز مقابله اسرائیل با انقلاب اسلامی و ایران را باید در همین دانست از آن جهت که انقلاب اسلامی متذکر آینده‌ای از جهان انسانیت می‌باشد که انسان‌ها ذیل حضور انسان کامل، هرچه بیشتر به انسانیت خود نزدیک شوند. لذا از این جهت سید حسن نصرالله و وسعت شخصیتی که او از خود در انسانیت نشان داد، معنای انسانیت امروز و فردای ما می‌باشد.

ما خود را در کجا باید جستجو کنیم؟

1- به سوی مرزهای نهایی تاریخی باید نظر کرد که یا باید طفیلی قوم یهود - به عنوان قوم برگزیده - شد و سرنوشت خود را به آن قوم سپرد و یا با حضوری سلحشورانه که مخصوص انسان‌های آخرالزمان است، با وسعتی نهایی به میان آمد و معلوم است که جریان استکبار، به خصوص آمریکا با تعریفی که ذیل روحیه یهودی‌گری و قوم برگزیده از خود دارد با تمام وجود در مقابل این حضور نهایی که مد نظر جبهه مقاومت است می‌ایستد. حال ما باید با نظر به امثال شهید سید حسن نصرالله‌ها و شهید

قاسم سلیمانی‌ها و شهید یحیی سنوار ها جایگاه خود را در این تاریخ معلوم کنیم و از خود بپرسیم ما خود را در کجا باید جستجو نماییم ؟

تاریخ نظر به سرنوشت جهان

2- در مقابل نخبگانی که گمان می‌کنند نمی‌توان در مقابل جبهه استکبار و صهیونیسم کاری کرد ، روحیه مقاومت و جبهه مقاومت قرار دارد که متوجه است تاریخی برای بشر جدید پیش آمده تا حضور دیگری را در خود و در جهان تجربه کند و آن تاریخ، تاریخ نظر به سرنوشت جهان است با جهانی‌شدن اسلام در مقابلهٔ یهودی‌گری که مدعی مالکیت سرزمین موعود برای قوم برگزیدهٔ یهود است.

شخصیت فردایی سید حسن نصرالله

3- رهبر معظم انقلاب با توجه به این امر در معنای شخصیت شهید سید حسن نصرالله به عنوان نماد جبهه مقاومت می‌فرمایند:

«سیدحسن نصرالله ثروت عظیمی بود برای دنیای اسلام؛ نه فقط برای تشیع، نه فقط برای لبنان؛ ثروتی برای دنیای اسلام بود. البتّه این ثروت از دست نرفته؛ ثروت باقی است؛ او رفت، امّا این ثروتی که او ایجاد کرده بود باقی است. داستان حزبالله لبنان داستان دنباله‌داری است. نباید حزبالله را دست‌کم گرفت و نباید از این ثروت مهم غفلت کرد. این ثروتی است برای لبنان و برای غیر لبنان.»

مقاومت و جهانی‌شدن ما

4- همه چیز حکایت از آن دارد که آنچه در این تاریخ مدّ نظر ملتها می‌باشد موضوع «مقاومت» است و باید در دل همهٔ حيله‌ها و نقشه‌های دشمنان آن حضور را که ملتها بدان

نظر دارند متوجه بود تا همگان متوجه جایگاه تاریخی امروزین و فردایی خود در جهان باشیم. **شهادت مقاومت؛ معنای امروز جوانان**

5- راستی نباید از خود پرسید اگر فرهنگ مقاومت نقشی اساسی در مقابل جهان‌گشایی جبهه استکبار ندارد چرا جبهه استکبار تا نابودی و فراموشی کلی جبهه مقاومت تلاش می‌کند تا باز شهید یحیی سنوارها و شهید سید حسن نصرالله‌ها در عمق آن همه تنگناهایی که جبهه استکبار شکل می‌دهد، به ظهور نیایند؟ در حالی‌که در فرهنگ «مقاومت» تولد یحیی سنوارها و سید حسن نصرالله‌ها و حاج قاسم سلیمانی‌ها نهادینه شده است و بسیاری از جوانان تلاش دارند خود را در نسبت با این شهیدان معنا کنند و از این جهت با نظر به فرهنگ «مقاومت» می‌توانیم در چنین تاریخی خود را احساس نماییم.

نسبت بی‌تاریخی و غفلت از جبهه مقاومت

6- آیا غفلت از حضور تاریخی در جبهه مقاومت مساوی با نوعی جدا شدن از مردم و بی‌تاریخ شدن نیست؟ آیا فکر کرده‌ایم بر سر آنانی که از جبهه مقاومت در این تاریخ فاصله گرفته و تفکر معنوی این دوران را به چیزی نگرفتند، چه آمده است؟ در زمانه‌ای که خطر کنده شدن از ریشه‌ها و بیخ و بن‌های تاریخی سخت همه را تهدید می‌کند، باید بیندیشیم در زمانه ما چه حادثه‌ای می‌خواهد رخ دهد، وقتی دانش بشر در ساختن اسلحه‌های مخوف به سعادت او منجر نشد و رابطه انسان با انسان هرچه بیشتر به هم خورده، امری که جبهه مقاومت با دفاع از انسانیت در مقابل جبهه استکبار خود را معنی کرده است.

پیروزی حتمی

7- خداوند به حکم هدایت‌گری ذاتی‌اش همواره راه هدایت‌بندگان خود را نگه می‌دارد و از آن طرف به خوبی روشن است که یهودی‌گری دینداری نیست که گمان شود با یهودی‌گری راه هدایت انسان‌ها در زمین باقی می‌ماند و با توجه به این‌که یهودی‌گری مقابله با اسلام در جلوه انقلاب اسلامی را پیشه خود نموده. این جا است که باید مطمئن بود خداوند اسلامی که در ایران در جلوه مقاومت برای مقابله با رژیم صهیون به میان آمده، حتماً پیروز می‌کند.

جایگاه تاریخی ناوگان صمود

8- ناوگان صمود و نحوه حضور جهانی انسان‌ها در این ناوگان، حکایت از آن دارد که جهان دیگری غیر از جهان استکباری، آن هم با روحیه مقاومت مدّ نظر انسان‌های متفکر و آزادی‌خواه به ظهور آمده، حضوری با هویت جنبشی جهانی و توجه به این‌که آزادگان جهان متوجه شده‌اند غفلت از این حضور، عین بی‌معنایی می‌باشد زیرا ناوگان صمود و افراد حاضر در آن ناوگان در دل یک حماسه انسانی، افکار مردم جهان را متوجه آینده‌ای کرده‌اند که در آن آینده اسرائیل معنایی برای ماندن در جهان ندارد.

عبور از یهودی‌گری و نظر به انسانیت انسان‌ها

9- در حالی‌که هیچ متفکری نمی‌تواند آنچه در پیش است را متوقف کند ولی می‌تواند با برخورد متفکرانه و تفکر معنوی، آینده بعد از افول تاریخ استکباری را از آن خود نماید، اگر از تفکر معنوی و فرهنگ مقاومت که در مقابل تغییر سرنوشت جهان توسط روحیه یهودی‌گری ایستاده است، غفلت کنیم، یقیناً قربانی پیش‌آمده‌ای ناخواسته خواهیم شد، در حالی‌که تفکر معنوی در بستر مقاومت از ما می‌خواهد که فعالیت‌های

خود را در بستر ریشه‌های تاریخی انبیا الهی شکل دهیم تا به بار بنشینیم زیرا در آن صورت، در رجوع به عالم و آدم از رازگونی آنها غفلت نخواهیم کرد و وعده الهی که فرمود: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» ذیل حضور انسان کامل محقق می‌شود و نظر به انسانیت انسان در مقابل جریان نژادپرستی یهودی‌گری که خود را نسبت به دیگر انسان‌ها، انسان برتر و امت برتر می‌داند، شکل می‌گیرد.

عدم جدایی «استقلال» از «ایمان»

10- بر خلاف فضای رسانه‌ای استکبار، مردم تا اندازه‌ای فهمیده‌اند که برای استقلال خود باید به راهی فکر کنند که فرهنگ مقاومت و جبهه مقاومت بدان نظر دارد، جبهه‌ای که استقلال را از زندگی ایمانی جدا نمی‌داند، به همان معنایی که عالمی روحانی و فقیهی اسلامی یعنی حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در مقابل لایحه کاپیتولاسیون می‌ایستد. اینجا است که فهم مردم نسبت به استقلالی که بدان می‌اندیشند نکته مهمی خواهد شد و رهبر معظم انقلاب با توجه به همین امر می‌فرمایند:

«عامل وحدت ملت ایران همچنان باقی است. عده‌ای می‌خواهند این‌جور وانمود بکنند که آن اتحادی که در ابتدای جنگ دوازده روزه و این مدت پیدا شد، مال همان روزها بود؛ ... من می‌خواهم بگویم این حرف، غلط محض است... امروز این‌جور است، در گذشته هم همین‌جور بوده، بعد از این هم به توفیق الهی این‌جور خواهد بود. ایران امروز و ان شاء الله فردا، همان ایران روز بیست و سوم خرداد و بیست و چهارم خرداد است که مردم آمدند خیابان‌ها

را پُر کردند و علیه صهیون ملعون و آمریکای جنایتکار شعار دادند.»

حفظ همبستگی مردمی در بستر «ایمان» و «عدالت»

11- همه چیز حکایت از آن دارد که حضور مردمی انقلاب در رابطه با فرهنگ مقاومت که استقلال و ایمان را به هم گره زده است همچنان ادامه خواهد داشت. زیرا همواره مسئله استقلال نظر به مذهب دارد و این یک امر عمومی برای همه افرادی است که متوجه سلطه فرهنگ استکباری شده‌اند و از این جهت باید به امر همبستگی ملت امیدوار بود، به همان معنای نظر به شخصیت حاج قاسم به عنوان نماد ملیت که به امری انسانی فکر می‌کند و رهبر معظم انقلاب در حفظ این نوع همبستگی و باز تولید آن تاکید دارند، به همان معنای استقلال و عزت جهان اسلام از پایگاه مذهب به معنای تاکید بر عدالت و آزادی.

نسبت بین تمدن اسلامی و تکریم انسان با روحیه جهادی

12- فرهنگ مقاومت به عنوان یگانگی بین «زندگی» و «مقاومت»، برای هر پرسشی، عین جواب است، زیرا «زندگی» جز «مقاومت»، زندگی نیست و در این راستا برای هر معبری چشم اندازی حقیقتی در پیش است و از این جهت، کوچه به کوچه و محله به محله و شهر به شهر از مقاومت و از انسانیت، یعنی از حقیقتی باید گفت که معنای انسانیت این تاریخ است. به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب در پیام خود در همایش صد سالگی حوزه علمیه قم فرمودند:

«تمدن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است؛ مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت — و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا — است؛ متکی بر

عدالت و ابعاد و مصادیق آن است؛ مٹکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است؛ مٹکی بر مجاهدت عمومی در همه میدان‌هایی است که در آنها نیاز به حضور جهادی هست.»

شهادت؛ مدرسهٔ مقاومت و حضوری گسترده‌تر

13- به گفتهٔ شهید سید هاشم صفی‌الدین شهادت، در فرهنگ مقاومت تبدیل به مدرسه شده است و این مدرسه به حکم آن‌که شهادت، حیاتِ برتر است، هرگز مقهور نمی‌شود و همواره گسترش می‌یابد تا آن‌جایی که به گفتهٔ سرلشکر سید یحیی رحیم صفوی؛ خون شهدای غزه راه آزادی قدس را هموار خواهد کرد.

توطئهٔ به رسمیت‌شناختن کشور فلسطین

14- از این نکته نباید غفلت کرد که جریان‌های غربی چگونه قصد دارند با به رسمیت‌شناختن کشور فلسطین تلاش ایران را در تقویت جبههٔ مقاومت تضعیف کنند و در واقع شعار دفاع از فلسطین را از ایران بگیرند، و این نیز توطئه‌ای است در بستر همان یهودی‌گری.

راز رویارویی یهود با حزب الله لبنان

15- آیا این از حکمت الهی نیست که یهودی‌گری به تصور آن‌که سرزمین موعودی برای او در این منطقه است به این‌جا آمد و با جبههٔ مقاومت که با عزمی این‌چنین محکم و با نظر به افقی از حضور نهایی انسان، در مقابل او ایستاده است تا خطر به دست‌گرفتن سرنوشت بشر توسط یهود را از جهان دفع نماید؟ به همان صورتی که تنها جریانی که مقابل رژیم اسرائیل ایستاد و او را شکست داد و از بیروت اخراج نمود، جریان مقاومت بود و این یعنی فردایی برای جهان هست که فردای امت به اصطلاح برگزیدهٔ یهود نیست.

راز روحیهٔ شکست‌ناپذیری جبههٔ مقاومت

16- آیا در راستای نهایت تعالی و امیدبخش بودن فرهنگ و جبهه مقاومت همین آیه کافی نیست که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/30)

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند:] مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.

این یعنی حضور در جبهه مقاومت، ورود در میدانی است که میدان حضور فرشتگان می‌باشد با الهاماتی که با نسیم انوار قدسی آنان برای فرزندان جبهه مقاومت پیش می‌آید تا آنان نه نسبت به آنچه در مقابلشان هست نگران و خائف باشند و نه نسبت به آنچه گذشته است محزون و غم زده. این است راز روحیه شکستناپذیری جبهه مقاومت.